

تأثیر روابط سالم والدین بر تربیت دینی فرزندان

زهرا ضیایی*، خدیجه ضیایی**

چکیده

ارتباطات فرآیندی پویا و پیچیده است به طوری که توجه اکثر کارشناسان و روانشناسان تربیتی به آن معطوف شده است و حل بسیاری از مشکلات جامعه به ویژه اصلاح رفتار انسان در گرو پرداختن به این موضوع اساسی است. تحقیقات نشان می‌دهد خانواده موفق و کارآمد، خانواده‌ای است که روابط اعضای آن مبتنی بر اصول و ضوابط صحیح ارتباطی باشد. همچنین خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه و نخستین آموزشگاه و پرورشگاه فرزندان است. از این رو، بیان هر گونه سخنی درباره تربیت دینی بدون توجه به نقش حیاتی خانواده در تربیت نادرست است.

در مقاله حاضر سعی شده است با استفاده از آیات و روایات و سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) شاخص‌های ارتباط سالم والدین و نقش آن در تعلیم و تربیت دینی فرزندان بررسی شود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد پدر و مادر وظیفه دارند با ایجاد روابط دوستانه با فرزندان، محیطی مناسب برای آنان فراهم کنند تا ویژگی‌هایی که در فطرت آنها نهادینه شده است، ظهور و بروز نموده و پرورش کامل یابد. اصول ارتباط درست والدین با فرزندان، نقش ارتباط در اولین جایگاه تربیت و آثار و نتایج ارتباط درست در رشد تربیت دینی از موضوعاتی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه: روابط، والدین، فرزندان، تربیت دینی.

*دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد فلسفه و کلام از کشور افغانستان.

**دانش‌پژوه مقطع کارشناسی علوم تربیتی از کشور افغانستان.

مقدمه

انتظار آرمانی و فطری بشر از دین و تربیت دینی، یاری‌دهنده تعالی و سعادت دنیا و آخرت ایشان است. با مطالعه تاریخ بشر این سؤال مطرح است که چرا برخی، همواره به بهره‌کشی از ضعیفان پرداخته‌اند و برخلاف فطرت و خواست دین عمل می‌کنند؟ با توجه به نقش کلیدی والدین در انتقال ارزش‌ها و آداب و رسوم به فرزندان، اهمیت رابطه سالم والدین و فرزندان و تأثیر آن بر رشد و تربیت دینی آنها دوچندان می‌شود. در نوشتار حاضر تلاش شده است علاوه بر بررسی تأثیر ارتباط سالم والدین با فرزندان در رشد تربیت دینی، مسائلی مانند اصول تربیت دینی و روابط درست با فرزندان از دیدگاه اسلام بررسی گردد.

مفهوم روابط

واژه «روابط» از ارتباط به صورت مصدری به معنای پیوند دادن و به صورت اسم مصدر به معنای بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه به کار می‌رود.^۱

«ارتباط» در اصطلاح، فرایند مبادله اطلاعات و احساسات است. مبادله بر وزن مفاعله، امری طرفینی و دو جانبه است؛ از این رو، ارتباط جریانی متقابل است.^۲ به عبارت دیگر، ارتباط در برگیرنده هر نوع تعاملی است که در آن پیامی منتقل می‌شود. ارتباطات، انتقال اطلاعات به گونه قابل فهم و واضح از فرستنده به گیرنده است و فرآیندی است آگاهانه که خواسته یا ناخواسته احساسات و نظرات به صورت کلامی و غیر کلامی با آن بیان، ارسال، دریافت و ادراک می‌شود.

ارتباطات فرایندی پویا، پیوسته، برگشت‌ناپذیر، تعاملی و زمینه‌ای است؛ زیرا پیوسته از حالتی به حالت دیگر تغییر می‌یابد. اگر دیدگاه‌ها، انتظارات، احساسات و عواطف افرادی که در حال برقراری ارتباطند، تغییر کند، ماهیت ارتباط آنها نیز تغییر می‌کند.



همچنین، ارتباط فرایندی پیوسته است؛ چون متوقف نمی‌شود و برگشت‌ناپذیر است؛ زیرا بعد از اینکه پیامی فرستاده شد، نمی‌توان آن را خنثی نمود.

تربیت

تربیت از ریشه «رَبَّو» به معنای غذا دادن و بزرگ کردن^۳ است و در معانی پروراندن، پرورش دادن، بار آوردن، افزون کردن، مالک بودن، مهتری کردن، نیکو گرداندن، تمام کردن و مالک و پرورش‌دهنده نیز به کار می‌رود.^۴

«تربیت» در اصطلاح یعنی، فراهم کردن زمینه‌ها و عواملی برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعدادهای انسان به شکلی مطلوب.^۵ معنای خاص اصطلاح «تربیت» با «تعلیم» متفاوت است و به معنای به شکل خاصی درآمدن و هویتی درست و مطلوب پیدا کردن است.^۶

دین

در قرآن دین به معنای شریعت، آیین، جزا و حساب به کار رفته است. چنان که در آیه «ان الدین عند الله الاسلام»^۷ همانا دین نزد خدا اسلام است»، دین به معنی شریعت و در آیه «مالک يوم الدين»^۸ به معنای حساب و جزاست.

تربیت دینی

سه مفهوم اصطلاحی برای «تربیت دینی» متداول است:

یک) مفاهیمی که با تعریف تربیت و تعریف دین شروع و با ترکیب این دو پایان می‌یابد. دکتر شاملی در این مورد می‌گوید: «برای مرتبی امکاناتی فراهم کنیم، آگاهی‌ها و اطلاعاتی به او بدهیم که با پای خود در مسیر شکوفایی دینی جلو برود». آنگاه ضمن پذیرش عدم اتفاق در تعریف دین، می‌گوید: «دین عبارت است از یک نظام یا مجموعه‌ای متشکل از زیر مجموعه باورداشت‌ها، ارزش‌ها و احکام».^۹

در تعریف «تربیت دینی» باید مشخص کرد که متربی چگونه در حوزه عقاید، ارزش‌ها و رفتار عملی از نظامی خاص پیروی می‌کند و خود را به آن ملتزم می‌داند؛ یعنی آیین‌مدار و ملتزم به دین می‌شود.

دو بدون بیان تعریفی جداگانه از «دین» و «تربیت»، «تربیت دینی» تعریف شده است. دکتر رهنمایی تربیت دینی را مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیری می‌داند که موجب ملکه شدن آموزه‌های دینی در متربی می‌شود.^{۱۰}

سه) در تعریف سوم از تربیت، گاه تربیت دینی در عرض سایر عرصه‌های تربیت در نظر گرفته شده است و گاه، در معنای فراگیر آن به کار می‌رود. در مفهوم اول، تربیت دینی، پرورش عواطف فرزندان، تنظیم روابط اجتماعی آنان و آموزش آداب و مناسکی بر مبنای دین است.

در معنای دوم، تربیت دینی چارچوب و معیاری مطابق با اهداف غایی خلقت در سامان‌دهی به فعالیت‌های اجتماعی، عاطفی و جسمی است که مربی و متربی در به کارگیری روش مخیرند.^{۱۱} با توجه به مفاهیم ارایه شده از تربیت دینی، مفهوم نخست که «دین» و «تربیت» را به طور مجزا بررسی می‌کند، همان تعریف مورد نظر در این مقاله است.

روش‌های تربیت فرزند در اسلام

۱. اصول تربیتی

الف) سن مناسب برای تربیت دینی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بهترین زمان برای تربیت دینی دوره نوجوانی است. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «...مروا صبیانکم بالصلاة إذا بلغوا سبع سنین...»^{۱۲}...کودکانتان را هنگامی که به هفت سالگی رسیدند به نماز تمرین دهید...».



امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَتَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ فَبَادَرَ تَك
بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ وَيَشْتَغَلَ لُبُّكَ.^{۱۳}

همانا دل نوجوان و جوان همانند دشتی ناکاشته و دست نخورده است، هر چه در آن بیاشی به آسانی پا می گیرد و رشد می کند، پس من هنگامی به پرورش تو پرداختم که هنوز دلت سخت و دشوار و ذهنت درگیر افکار و خیال‌بافی‌ها نشده بود.

نخستین آموزه تربیتی پس از تولد، گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ نوزاد است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر کسی در اولین روز تولد در گوش راست و چپ نوزاد اذان و اقامه بگوید، آن نوزاد از دستبردهای شیطان مصون خواهد بود»^{۱۴}.

همچنین در روایتی آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «کودکی که در گوش راست و چپش اذان و اقامه گفته باشند، شیطان به او دستبرد نمی زند»^{۱۵}. امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «نوزادی که در گوشش اذان گفته می شود دچار افت‌های شخصیتی چشمگیر نمی شود»^{۱۶}.

آموزش مستقیم ارزش‌های دینی از دو سالگی که حس مذهبی در کودکان ایجاد می شود، شروع می گردد. به صورت تدریجی ذکر صلوات، لاله‌الاله، حب نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، تلاوت قرآن و... را به کودکان باید آموزش داد.

ب) زمان و مکان
بهترین زمان القای آموزه‌های دین به کودک وقتی است که او شاد می باشد. القای ارزش‌ها هنگام خواب آلودگی و اضطراب نه تنها تثبیتی به دنبال ندارد که ممکن است باعث مقاومت روانی کودک نسبت به یادگیری شود. بنابراین، آموزش را باید به زمانی که کودک شاد است (زمان هدیه دادن، مسافرت، پارک رفتن و...) اختصاص داد؛ زیرا کودک در موقعیت‌های زمانی و مکانی مطلوب بدون کمترین مقاومت روانی پذیرای

ارزش‌های دینی است. همچنین آموزش ارزش‌ها باید با موقعیت‌های گوناگون تناسب داشته باشد. برای مثال در زمان هدیه دادن برای آموزش شکر، و از زمان حضور در جنگل و دریا برای آموزش قدرت و عظمت خداوند می‌توان استفاده کرد.

ج) آزادی

سال‌های نخست تولد، سال‌هایی است که کودک هنوز درک کاملی از خوب و بد، سود و زیان، بایدها و نبایدها ندارد، ولی پیوسته کنجکاو و در پی بررسی و شناخت اشیاست. بنابراین، والدین و مربیان نباید راه شناخت اشیا و امور را بر کودک ببندند و با سخت‌گیری‌ها و امر و نهی‌های نابجا مانع رشد شناخت کودک شوند.^{۱۷} از این‌رو، در روایات اسلامی هفت سال اول زندگی، دوران حکومت کردن و دستور دادن کودک به والدین است: «الولد سید سبع سنین؛^{۱۸} کودک تا هفت سال حاکم است».

مبنای روابط والدین با فرزندان در این دوره باید روش آزادمنشانه باشد. در این روش، والدین با ایجاد رابطه عاطفی با کودکان، برای آنها فرصتی مهیا می‌سازند تا بتوانند مسئولیت رفتار خویش را بر عهده گیرند. همچنین، دادن فرصت انتخاب و تشخیص به فرزندان سبب می‌شود کودکان با نتایج رفتار خود روبه‌رو شوند و با مشکلات دست و پنجه نرم کنند.^{۱۹}

د) نظارت و مراقبت

از دیگر اصول تربیتی در سیره پیشوایان دینی، نظارت و مراقبت از رفتار فرزند است. فرآیند تربیت، به مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح نیاز دارد. دایره این مدیریت و مراقبت از زمان بسته شدن نطفه آغاز و تا دوران رشد و بلوغ ادامه می‌یابد.

از آنجا که انسان نیازمند پیمودن مسیر طولانی تکامل است و امکان روبه‌رویی با خطرهای امری اجتناب‌ناپذیر است، مراقبت و نظارت ضروری است. این مراقبت در دوران کودکی تا جوانی که از نظر تربیتی دورانی حساس است، اهمیت بیشتری دارد.^{۲۰}





پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این مورد می‌فرماید: «الرجل راع في اهله و هو مسئول عن رعيتيه؛^{۲۱} مرد سرپرست خانواده خود است و نسبت به زیر دستانش مسئول است». روشن است که رهانیدن خانواده از آتش نادانی و گمراهی بدون نظارت بر رفتار آنها امکان‌پذیر نیست. ایجاد رابطه‌ای صمیمی و دوستانه می‌تواند راهگشای این اصل باشد. وقتی روابط اعضای خانواده بر اساس صداقت و دوستی شکل گیرد، نظارت و مراقبت از کودکان اختلالی در آزادی و روحیه استقلال‌طلبی آنها ایجاد نمی‌کند.

ه) رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض
با توجه به اینکه رعایت مساوات یکی از اصول تربیتی مهم است، این سؤال مطرح است که مساوات و تشویق (که آن را عاملی تأثیرگذار در تربیت می‌دانند) چگونه کنار هم قرار می‌گیرند؟

سیره معصومان عليهم السلام به ویژه در ابراز محبت و اهدای هدیه، بیانگر رعایت مساوات بین فرزندان است.^{۲۲} پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «عدلوا بين ابنائكم كما تحبون أن يعدلوا بينكم في البر و اللطف؛^{۲۳} بین فرزندان به عدالت رفتار کنید چنانچه دوست دارید در نیکی و محبت به شما به مساوات رفتار کنند».

همچنین ابن عباس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند:

ساووا بين اولادكم في العطيه فلو كنت مفضلا أحدا لفضلت النساء.^{۲۴}
در هدیه دادن به فرزندان، بین آنها به مساوات رفتار کنید، اگر بنا بود من کسی را برتری بدهم، زنان (دختران) را برتری می‌دادم [و به آنها هدیه‌ای بیشتر می‌دادم].
ممکن است با مطالعه روایات یاد شده این پرسش مطرح گردد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سویی در روایت اول اصرار بر رعایت مساوات دارد و از سوی دیگر در روایت دوم اصل مساوات را رعایت ننموده است. در بیان دلیل این دو روایت می‌توان گفت که رعایت مساوات فقط در ابراز محبت ضروری است و آنجا که هدیه مصداقی از ابراز محبت است، باید در مورد آن مساوات رعایت شود. بنابراین، رعایت مساوات

بین فرزندان به معنای وجوب مساوات نیست، بلکه بر استحباب و مطلوبیت مساوات دلالت دارد.^{۲۵}

۲. روش‌های تربیتی

روش‌ها و راهکارهای تربیتی به دو نوع تقسیم می‌شوند:

یکم) روش‌های عام؛ راهکارهایی است که در همه یا بیشتر زمینه‌های آموزشی و تربیتی مفید، مؤثر و کارساز است.

دوم) روش‌های خاص؛ روش‌هایی است که در برخی موارد کاربرد دارد و استفاده از آن در موارد دیگر مفید نیست.^{۲۶}

از میان روش‌های عام تربیتی می‌توان به الگوسازی، عبرت‌آموزی، موعظه، نصیحت، تشویق و تنبیه اشاره کرد.

الف) الگوسازی

تأثیرگذاری رفتار والدین و مربیان بر کودکان انکارناپذیر است؛ زیرا شخصیت کودکان در سال‌های نخست زندگی بر پایه الگوگیری از والدین و مربیان ساخته و پرداخته می‌شود. پس از دوره کودکی، افراد از دوستان، شخصیت‌های معروف اجتماعی، فرهنگی و هنری الگو می‌گیرند. از این‌رو، روش الگویی نافذترین و مؤثرترین روش تربیتی است و والدین و مربیان باید بکوشند با رفتار مطلوب و سازنده خود متربیان را خوب تربیت کنند.

ب) ایجاد بینش صحیح

محقق و فاضل اندیشمند، احمد نراقی بسیاری از رفتارهای نابهنجار غیراخلاقی، غیردینی و وسوسه‌های شیطانی را ناشی از عدم بینش صحیح و کافی تربیتی از مسایل اعتقادی، فکری، اخلاقی و رفتارها، انگیزه‌ها و عوارض آنها می‌داند و معتقد است که با بینش و شناخت درست می‌توان تربیتی را تربیت کرد و اخلاق وی را تصحیح نمود. محقق و فاضل نراقی برای ایجاد بینش صحیح در تربیتی توصیه می‌کند که مربی به



امور زیر پردازد:

- آگاه کردن متری و واداشتن وی به اندیشیدن در آیات و احادیثی که در مدح و ذم صفات و رفتارها و نتایج آنها بیان شده است؛
- شناساندن فضایل و رذایل و حسن و قبح رفتارها تا جایی که متری، درست را از نادرست، بد را از نیک و زشت را از زیبا تشخیص دهد؛
- بیان علت رفتارهای ناخواسته متری تا به درک درستی از آنچه انجام داده است برسد و در آینده از بروز چنین رفتارهای ناخواسته‌ای پیشگیری کند.^{۲۷}

ج) تقویت نفس

ضعف و زبونی نفس و احساس ناتوانی و اضطراب در خود، باعث رفتارهای ضداخلاقی می‌شود. از این رو تقویت نفس متری بسیار مهم است. فاضل نراقی به مریمان توصیه می‌کند برای تقویت نفس متری، برنامه‌ریزی کنند و اراده وی را نیرومند سازند و قدرت تحکم وی را بالا برند تا با احساس عزت، صداقت و قدرت بتوانند در برابر محرک‌های ضداخلاقی و تربیتی مقاومت نمایند و بدون هیچگونه ضعف و سستی به سوی اهداف عالی تربیتی گام بردارند.^{۲۸}

د) پیراستن و آراستن

محقق نراقی به این نکته تصریح دارد، انسانی که صفات مذموم و عملکردهای ضداخلاقی دارد، نمی‌تواند به کمالات و فضایل آراسته گردد مگر آنکه از آن صفات پیراسته و رفتارش اصلاح شود.^{۲۹}

و) عبرت آموزی

عبرت آموزی از قوانین و سنت‌های تکوینی آغاز می‌شود و به آثار پیشینیان، یاد و خاطره و رخداد‌های مربوط به آنان منتهی می‌گردد.^{۳۰} عبرت آموزی بیش از هر روش دیگری در فرایند تربیت راهگشاست.

ه) موعظه و نصیحت

روش موعظه از دیرباز مورد استفاده اولیا، مریدان و معلمان بوده است،^{۳۱} ولی در استفاده از این ابزار باید دقت زیادی داشت. موعظه و نصیحت زیاد نه تنها راهگشا نیست، بلکه گاهی نتایج عکس دارد.

ی) تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه از روش‌های اصلی در تعلیم و تربیت، است. با به کارگیری این روش بین درستکار و بدکردار تفاوت گذاشته می‌شود که این خود آثار بسیار مفیدی در جان و روح متربی دارد.^{۳۲}

والدین می‌توانند با تهیه وسایل (مثل سجاده، تسیح، قبله‌نما و...)، تمرین رفتارهای دینی، حضور در محافل مذهبی، ارتباط با افراد و خانواده‌های متدین، الگودهی مناسب به فرزندان و تشویق و تحسین فرزندان نسبت به انجام امور دینی، به تثبیت این رفتارها در فرزند خود کمک کنند.

۳. اصول کاربردی روش‌های تربیتی

الف) حسن خلق

اخلاق نیکو و پسندیده از ممتازترین صفاتی است که والدین در امر تربیت باید بدان متصف گردند؛ چراکه سرشت و طبیعت کودک آنچنان پاک و معصوم است که نیازی به اجبار و تحمیل از جانب مربی (والدین) ندارد. نیکویی اخلاق در امر تعلیم و تربیت باعث می‌شود که کودک جذب والدین شده و سخنان آنان را با جان و دل گوش دهد و بپذیرد: «وقل لعبادی یقولوا الّتی هی احسن؛^{۳۳} به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «انما بعثت لاتمّم حسن الاخلاق؛^{۳۴} من فقط مبعوث شدم تا اخلاق نیکو را تکمیل کنم»؛ و «اکمل المؤمنین ایمانا احسنهم خلقا؛^{۳۵} مؤمنانی که



اخلاقشان نیکو باشد، ایمانشان کامل تر است».

ب) تواضع و فروتنی

«واخفض جناحك للمؤمنين؛^{۳۶} در برابر مؤمنان فروتن باش»؛ «ولاتمش فی الارض مرحا؛^{۳۷} و به خودپسندی بر زمین راه مرو».

یکی از صفات برجسته مربی تواضع و فروتنی اوست. تواضع صفتی است میان تکبر و ذلت؛ والدین نباید خود را بزرگ شمرده و بر فرزندان فخر فروشی کنند یا آنچه خود را کوچک و حقیر شمرده که نفس خود را دلیل سازند. رفتار و گفتار والدین باید در ضمن حفظ عزت نفس، فروتنی آنها را نشان دهد. تواضع نه تنها بر احترام و عزت نفس والدین نزد فرزندان می‌افزاید، بلکه این صفت ارزنده را نیز به آنان می‌آموزد.^{۳۸}

با رعایت این اصل والا والدین می‌توانند تمام مفاهیم اخلاقی و تربیتی را در فطرت و وجدان پاک نوجوان نهادینه نمایند به طوری که جایی برای فراموشی و نسیان آن نباشد. فروتنی در مقابل فرزندان، آنان را به انسانی که زمینه فراگیری هر چیزی را خواهند داشت، تبدیل می‌کند و چه چیزی می‌تواند بالاتر از تربیت دینی باشد؟

ج) برخورد با چهره گشاده

چهره گشاده و با تبسم، قلب و دل هر انسان سختی را نرم می‌کند. والدین هوشیار تحت هیچ شرایطی از عملکرد فرزندان چهره در هم نمی‌کشند، مگر در مواردی اندک: «وإذا جاءك الذین یؤمنون بآیاتنا قفل سلام علیکم؛^{۳۹} و چون ایمان آوردند به آیات نزد تو آمدند، بگو سلام بر شما».

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «البشاشه حباله الموده؛^{۴۰} گشاده‌رویی رشته دوستی است»؛ و در جایی دیگر فرموده است: «البشاشه فح الموده؛^{۴۱} خوشرویی دام دوستی است».

د) نرمی و لطافت در گفتار

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وقولوا للناس حسنا؛^{۴۲} و با مردم به نیکی سخن بگویند». رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «لینوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه؛^{۴۳} نسبت به

شاگرد و استاد خود نرم خو باشید».

ه) صبر و بردباری

روشن است که پیشه کردن صبر و بردباری، اساس تعلیم و تربیت دینی است: «وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»^{۴۴} و بر آنچه می گویند، صبر کن و به وجهی پسندیده از ایشان دوری جوی»؛ «فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ»^{۴۵} و بر آنچه می گویند پایداری کن و در ستایش بر پروردگارت تسبیح گوی».

و) خوب شنیدن

والدین شایسته، به سخنان کودکان خوب گوش می دهند و هرگز سخنان آنان را قطع نمی کنند؛ زیرا بهترین زمان برای برقراری ارتباطی سالم با کودک زمانی است که وی صحبت می کند: «فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه»^{۴۶} بندگانم را بشارت ده، آنان که به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آنان را انتخاب می کنند».

ط) محبت و برخورد صریح و قاطعانه

بهترین نوع رابطه، رابطه‌ای است که بر اساس محبت شکل گیرد. خداوند در قرآن سخن خویش را با محبت و ابراز آن آغاز نموده است: «بسم الله الرحمن الرحيم». زبان ارتباطی با انسان‌ها به ویژه کودکان، زبان محبت است. هنگامی که والدین با تمام وجود به فرزندان خویش محبت می ورزند، به این معناست که سخنان او را با جان و دل می شنوند و این امر موجب اعتماد و حرف شنوی کودک از والدین می شود.^{۴۷}

محبت ضروری‌ترین اصل در تربیت اسلامی است و روایات زیادی بر این اصل تأکید دارد. در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه درجه‌ای از بهشت به شما خواهند داد»^{۴۸} و نیز در پاره‌ای از روایات آمده است: «نگاه مهرانگیز پدر و مادر به فرزند عبادت است».^{۴۹}



نقش ارتباط در تربیت

یکی از نیازهای اساسی والدین و معلمان در امر تربیت و پرورش اخلاقی کودکان، برقراری «ارتباط سالم» با آنهاست. ارتباط صحیح بین پدر و مادر و روابط سالم آنان با کودکان، اولین و مهم‌ترین زمینه رشد و پرورش اخلاقی نونهالان است. بهترین ملاک و معیاری که بر اساس آن تربیت و کیفیت پرورش اخلاقی کودکان را می‌توان مورد ارزیابی و دقت قرار داد، شبکه ارتباطی اعضای خانواده با یکدیگر است. به همین دلیل، از خانواده به «سیستمی ارتباطی» تعبیر می‌شود که سلامت جامعه بازتابی از سلامت آن است.^{۵۰}

والدین باید با ایجاد روابطی دوستانه با فرزندان محیطی مناسب برای آنان فراهم آورند تا ویژگی‌هایی که در فطرت آنها نهادینه شده است به تدریج بروز و پرورش یابد. در برقراری ارتباط مطلوب با فرزندان باید به احترام و تکریم آنها توجه کرد؛ احترام، رفتار عملی و ذهنی متقابل است که احساس ارزشمندی، رضایت و خشنودی در طرف مقابل ایجاد می‌کند. بنابراین، پیام‌هایی که بین والدین و کودک رد و بدل می‌شود نباید به حس مورد احترام بودن والدین یا کودک لطمه زند.

اصول ارتباط درست والدین با فرزندان

نامه سی و یکم نهج البلاغه مجموعه کاملی از آموزش اصول و روش‌های تعلیم و تربیت است و محورهای گوناگونی همانند عوامل تربیت، موانع تربیت، اهداف تربیت، پیش‌نیازهای تربیت، اقسام تربیت و... را در بر دارد. در ذیل برخی از اصول ارتباطی که در این خطبه بیان شده است، بررسی می‌گردد.^{۵۱}

الف) خودشناسی متربی

نخستین گام در فرایند تربیت، دستیابی متربی به خودشناسی، خودیابی و خودسازی است؛ چرا که تقوا هنگامی به دست می‌آید که متربی به خودشناسی،

خودیابی، شناخت امکانات، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های خویش موفق شده باشد و بدنبال آن بکوشد تا به درجه خودسازی رسد. در تربیت علوی، صیانت درونی و رسیدن به تقوی، در گرو داشتن بصیرت و شناخت کافی از ظرفیت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی است. از این رو، یکی از پیش‌نیازها و اصول تربیت بهینه، داشتن تصویر و دریافتی روشن از خود، امکانات، قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و موانعی است که ممکن است شخص را از رشد و تعالی باز دارد.^{۵۲}

ب) برقراری روابط افقی و هم‌سطحی

رابطه ممکن است به صورت عمودی یعنی، از بالا به پایین و همراه با تحلیل و بهره‌گیری از ابزار قدرت باشد؛ در این موارد مخاطب انگیزه‌ای برای پذیرش و هم‌سویی ندارد. این نوع رابطه به ویژه در آموزش و تربیت کم‌اثر است. بنابراین، روابط آموزشی و تربیتی باید افقی، متقابل و همراه با درک احساسات، ظرفیت و موقعیت مخاطب باشد. در رابطه عمودی، مربی می‌کوشد بر اساس فهم یا انتظارات خود با فراگیر ارتباط برقرار کند، به همین دلیل رفتاری کلیشه‌ای و همراه با پیش‌داوری دارد.

امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به خوبی از شیوه ارتباط افقی برای برقراری ارتباط مخاطب استفاده نموده است. در ابتدای نامه، ایشان خود و مخاطبشان را توصیف می‌کند و این احساس تفاهم و درک طرفینی را این گونه شروع می‌کند:

من الوالد الفان المقر للزمان المدبر للعمر المستسلم للدهر... الی المولود

المؤمل ما لا یدرک السالک سبیل من هلک.^{۵۳}

از پدری فانی، اعتراف دارنده به گذشت زمان، زندگی را پشت سر نهاده،...
به فرزندی امیدوارند که چیزی از او به دست نمی‌آید، رونده راهی که به
نیستی ختم می‌شود... .

با این توصیف، حضرت نشان می‌دهد که مخاطبش را به خوبی می‌شناسد و خود را نیز به گونه‌ای به مخاطب معرفی می‌کند که متربی نقاط افتراق و اشتراک خود را با



مربی بداند. در فرایند تربیت، علاوه بر شناخت و پذیرش نقاط اشتراک، که از راه برقراری ارتباط عاطفی به دست می‌آید، شناخت نقاط افتراق نیز تربیت را کیفی‌تر می‌کند. نخستین درجه ارتباط درست تربیتی هنگامی گشوده می‌شود که مربی مطمئن باشد مربی، شاخص‌های شخصیتی او را شناخته است.

از جمله زیبایی‌ها و ظرافت‌های فرمایش امام علی علیه السلام در این نامه این است که ایشان به یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی جوانان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «المومل ما لا یدرک؛ جوان شخصیتی است که فضای روانی‌اش شهر آرزوها و آرمان‌هاست».

از دیگر راهکارهای ایجاد رابطه افقی، ساختن فضای انس، دوستی و صمیمیت است. امام علی علیه السلام گام‌های ارتباط عاطفی خود را در برخی از بخش‌های این نامه با به کارگیری واژه «یا بنی» برداشته است. پس مربی زمانی در برقراری ارتباط با مربی موفق است که بتواند پل ارتباطی تفاهم‌آمیز و افقی با وی ایجاد کند.

(ج) مدرسانی شناختی مربی

برای به دست آوردن اطلاعات دو راه اساسی وجود دارد: روش آزمون و خطا؛ روش بهره‌گیری از تجربه و دانش دیگران.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه سی و یکم نهج‌البلاغه می‌فرماید که عمر جوان و نوجوان عزیزتر از آن است که برای تکرار و تجربه تلخی‌ها صرف شود. یکی از دغدغه‌هایی که مربی باید داشته باشد این است که مربی را از تکرار تک تک تلخی‌ها و شیرینی‌ها و فراز و نشیب‌ها بی‌نیاز سازد:

أی بنیّیّ و إنّ لم أکن عمّرت عمر من کان قبلی فقد نظرت فی أعمالهم
و فکرت فی أخبارهم و سرت فی آثارهم حتّی عدت كأحدهم بل کأتی بما
انتهی إلیّ من أمورهم قد عمّرت مع أولّهم إلیّ آخرهم فعرفت صفو ذلک من
کدره و نفعه من ضرره فاستخلصت لک من کلّ أمر نخيله.

پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار

آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم، تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه‌ی تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیانبارش شناسایی کردم، سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم و ناشناخته‌های آنان را دور کردم.

امداد شناختی مربی زمانی کامل است که خودش اطلاعات را دریافت، بازنگری و پالایش نماید سپس اطلاعات پالایش و دسته‌بندی شده را با توجه به ظرفیت‌های شناختی و عاطفی مخاطب در اختیار وی قرار دهد.

امدادرسانی شناختی در تعلیم و تربیت هنگامی به خوبی اجرا می‌شود که مربی در نظر متربی حیثیت و منزلتی برتر داشته باشد تا به سبب این احساس اعتماد و اعتبار، از مربی اثر پذیرد. بر این اساس، اصل دوم برای ایجاد ارتباط درست و بهینه با جوانان عبارت است از: ارایه ناب‌ترین و پالوده‌ترین اطلاعات و آگاهی‌ها به مخاطب با هدف بی‌نیازسازی وی، تجربه دوباره تلخی‌ها و شیرینی‌هایی که مربی و پیشینیان او پشت سر گذاشته‌اند.^{۵۴}

د) توجه به ویژگی تربیت‌پذیری در دوران جوانی

از نگاه امام علی علیه السلام با آنکه تربیت‌پذیری اصلی حاکم بر سراسر زندگی انسان است و هر انسانی تا آخرین لحظه‌های زندگی خود، تربیت‌پذیر و اثرپذیر است، اما همبستگی تربیت‌پذیری و سن کودک با بالا رفتن سن کم‌تر می‌شود؛ یعنی هر قدر سن فراگیر پایین‌تر باشد تربیت‌پذیری او بهتر است؛ زیرا متربی و ساختار شخصیتی وی هنوز دست‌نخورده است. از این رو، جوانان و نوجوانان کیفی‌ترین مخاطبان تربیتی در مکتب تربیتی امام علی علیه السلام می‌باشند.



ه) پالایش انگیزه‌های آموزشی و پرورشی مربی

فرایند تربیت زمانی موفق است که در آن انگیزه‌های تربیتی مربی پیراسته باشد. فراگیر همواره باید احساس کند که انگیزه‌های مربی در جهت امداد رسانی، خیرخواهی و جدیت در هموارسازی روند رشد و تعالی اوست. مولی‌الموحدین، علی علیه السلام برای درک و سنجش پالایش انگیزشی مربی نشانه‌هایی مشخص نموده است. نخستین نشانه پالودگی انگیزشی امیرالمؤمنین علی علیه السلام این است که ایشان در بحرانی‌ترین دوره زندگی خود (پس از جنگ صفین) به نوشتن نامه به فرزند بزرگوارشان، امام حسن علیه السلام اهتمام نمود.

نشانه دوم این است که دغدغه‌های تربیتی امام در این نامه فراگیر، متعدد و فراوانند، گویی به همه ساحت‌های تربیتی انسان پرداخته است؛ تربیت سیاسی، اخلاقی، عاطفی و گاه جنسی؛

نشانه سوم اینکه، ایشان به گونه‌ای هشدار تربیتی خود را مطرح می‌نماید که احساسات و عواطف متربی را تسخیر می‌کند. پس از به کارگیری عبارت «یا بنی» و بیان احساس مهر و دغدغه داشتن و نگران بودن برای آینده فرزند، می‌فرماید:

وجدتک بعضی بل وجدتک کلّی حتی کأنّ شیئا لو أصابک أصابنی و حتی کأنّ الموت لو أتاک أتانی.

تو را دیدم که پاره‌ای از منی، بلکه دانستم که همه جان و تن منی، چنانکه اگر آسیب به تو رسیده، به من رسیده و اگر مرگ به سراغت آید رشته زندگی مرا بریده است.

این گونه سخن گفتن حضرت با فرزندش، نشان می‌دهد که وی با پل زدن‌ها و ایجاد ارتباطات عاطفی، فرزند خویش را آماده می‌کند تا به راحتی پیام‌های تربیتی را به او منتقل نماید.

(و) پیشتازی و پیش‌دستی در تربیت جوانان

از آنجا که شخصیت و منش جوانان و نوجوان هنوز سمت و سوی نیافته، تربیت و آموزش جوانان و نوجوانان باید زود و بی‌درنگ باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید که مریمان و آموزگاران باید پیش‌دستی کنند و در آغاز نمودن فرایند آموزش و تربیت شتاب ورزند.

أَيُّ بَنِي إِيْنِي لَمَّا رَأَيْتِي قَدْ بَلَغْتَ سِنًّا وَرَأَيْتِي أَزْدَادَ وَهَنًّا، بِأَدْرَتِ بَوْصِيَّتِي إِلَيْكَ، وَ أُوْرِدَتْ خِصَالًا مِنْهَا قَبْلَ أَنْ يَعْجَلَ بِي أَجْلِي دُونَ أَنْ أَفْضِيَ إِلَيْكَ بِمَا فِي نَفْسِي، أَوْ أَنْ أَتَقْصَّ فِي رَأْيِي كَمَا تَقْصُتُ فِي جَسْمِي أَوْ يَسْبِقُنِي إِلَيْكَ بَعْضُ غَلْبَاتِ الْهَوَى وَ فِتْنِ الدُّنْيَا... فَبَادِرْتِكِ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ نُؤُوكِ. ٥٥

ای فرزند! چون دیدم سالیانی را پشت سر نهاده‌ام و به سستی در افتاده‌ام، بدین وصیت به تو پیش‌دستی کردم و خصلت‌های را در آن بر شمردم پیش از آنکه مرگ بشناسد و مرا دریابد و آنچه در اندیشه دارم به تو نگفته باشم... یا پیش از نصیحت من، پاره‌ای از خواهش‌های نفسانی بر تو غالب گردد.

امام صادق علیه السلام نیز خطاب به مریمان می‌فرماید: «بادروا أحداثکم بالحديث قبل أن تسبقتکم إلیهم المرجئة»^{٥٦}؛ یعنی پیش از اینکه دگراندیشان هجوم بیاورند و قلب، فکر و دل جوانان و نوجوان را با افکار و اندیشه‌های انحرافی و آسیب‌زا پر کنند باید برای رشد و تعالی آنان متناسب با ظرفیت و توانشان برنامه‌ریزی کرد.

(ز) استفاده از گرایش‌های آرمان‌گرایانه جوانان و جهت‌دهی آنان به سوی واقع‌گرایی از آنجا که جوان آرمان‌گر است و آرمان‌گرایی با واقعیت‌ها و نگرش واقع‌بینانه فاصله دارد، از ظرافت‌های کار مربی این است که از این گرایش به منزله محرک روانی در جهت‌دهی مربی به سوی واقع‌گرایی بهره برد.

نوجوانان در درون خود سرشار از انرژی خیره‌کننده و حرکت آفرین‌اند. برای شکوفاسازی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های درونی نوجوان این انرژی باید مهار، نظارت و



هدایت شود. بنابراین، مربی برای بازشناسی مرز آرمان‌ها و واقعیت‌ها باید به کمک مربی بیاید.

ح) تقویت روح امید

بحران‌ها، مشکلات و گرایش‌های شهوت‌آمیز دوره جوانی می‌تواند فرد را به آسانی تسلیم نماید. ارتباط مربی و مربی باید به گونه‌ای باشد که مربی وی را پناهگاه خود بداند. همچنین مربی باید مربی را در رسیدن به باور توکل و دریافت امدادهای غیبی یاری کند؛ زیرا این نگرش و اطمینان فرد را چنان پایدار و استوار می‌کند که می‌تواند بحران‌ها را درنوردد و با مشکلات دست و پنجه نرم کند.^{۵۷}

ط) مصونیت‌بخشی جوانان در برابر اندیشه‌های انحراف‌آمیز

تجهیز جوانان به بینه‌های شناختی و باورهای اعتقادی مستدل و مستحکم به تنهایی کافی نیست، بلکه همواره باید امدادهای شناختی مریان دو چندان و متراکم باشد. امام علی علیه السلام در بخشی از نامه ۳۱ *نهج البلاغه* به مریان سفارش می‌کند که بنیان‌های شناختی ارایه شده به جوان باید دو ویژگی داشته باشد؛ نخست باید بینه‌های اعتقادی زیرساز، ثبات و استقرار داشته باشد و دیگر اینکه این بینه‌ها برای مقابله با تهاجمات فکری و اعتقادی آماده شوند.^{۵۸}

شیوه‌های تکریم و احترام به کودکان

مرور و بازنگری سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشان می‌دهد که آن حضرت برای احترام گذاردن و شخصیت دادن به فرزندان و کودکان از شیوه‌های خاصی بهره می‌گرفت. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از:

الف) استقبال؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در برخورد با حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نیز دخترش، حضرت فاطمه علیها السلام بزرگوارانه رفتار می‌کرد. ایشان هنگام ورود کودکان، جلوی آنها برمی‌خاست و به استقبال آنان می‌رفت. در روایتی آمده است: «هنگامی که حضرت

زهرا علیها السلام به دیدن ایشان می آمد آن حضرت به احترام دخترش از جای برمی خاست و ایشان را می بوسید و در جای خود می نشاند»^{۵۹}.

ب) سلام کردن؛ امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «پنج چیز را تا لحظه مرگ ترک نمی کنم تا پس از من میان مردم سنت ماندگار گردد: ... سلام کردن به کودکان»^{۶۰}.

اجازه گرفتن، دعوت و اجابت دعوت کودکان، عیادت، صدازدن محبت آمیز و پرهیز از خشونت علیه کودکان از دیگر مصداق های احترام و تکریم آنهاست.

ج) تفاهم و همدلی؛ نخست باید بین والدین و کودک درک و تفاهمی متقابل ایجاد شود، آنگاه به راهنمایی، آموزش و یا پند و اندرز کودک پرداخت. در برخورد با کودک عصبی و ناراحت باید احساساتش را درک کرد و به آن احترام گذاشت. وقتی به کودک بگوییم «این احساس خوبی نیست که تو داری» و یا بخواهیم او را متقاعد سازیم که هیچ دلیلی برای احساس خود ندارد، بدون شک نخواهیم توانست احساس ناراحتی او را از بین ببریم، بلکه باید احساس ناراحتی و حالت عصبانیت کودک را با حس تفاهم و همدردی بپذیریم. وقتی کودکان احساسشان را بیان می کنند، والدین به شیوه های مختلفی با آنها رفتار می کنند:

یکم) فرمانده: والدینی که چنین نقشی را بازی می کنند، سعی دارند که همه امور در کنترل آنها باشد و از کودک می خواهند که احساسات منفی را رها کند و به حال عادی باز گردد. دستورات، فرامین و تهدیدها، ابزاری است که فرمانده برای انجام کارش به کار می برد.

دوم) آموزگار اخلاق آموزگاران اخلاق، واژه «باید» را زیاد استفاده می کنند. این والدین می خواهند که فرزندشان احساسات مناسب داشته باشد.

سوم) همه چیزدان: این والدین در صددند به فرزندان نشان دهند که بزرگسالان جواب بسیاری از سؤالات را می دانند. چنین والدینی اندرز گویانه و نصیحت کنانه دلایل کودک را رد می کنند و می کوشند نشان دهند که تا چه حد برترند.



چهارم) قاضی: چنین والدینی کودک را بدون محاکمه، گناهکار می‌دانند. آنان سعی دارند ثابت کنند که همیشه درست می‌گویند و فرزندانشان خطا کارند.

پنجم) نقاد: والدینی که چنین نقشی دارند، مانند قاضی، آموزگار اخلاق و همه چیزدان می‌خواهند ثابت کنند که همیشه درست می‌گویند، ولی انتقاد آنان متکی بر استهزا، برچسب‌زنی، کنایه یا شوخی است که به تحقیر کودک منتهی می‌شود.

ششم) روانشناس: روانشناس سعی می‌کند که مسئله را تحلیل کند. چنین والدینی می‌خواهند با بهترین نیت به تمام جزئیات گوش فرا دهند، بنابراین در موقعیت بهتری قرار می‌گیرند و با رفتار خود اجازه نمی‌دهند فرزندشان از مسیر اصلی منحرف شود. روانشناس می‌پرسد، تحلیل می‌کند و تشخیص می‌دهد.

هفتم) مشاور: والدینی که چنین نقشی را ایفا می‌کنند، سعی دارند با برخورد خونسر دانه نسبت به احساسات کودک خود را از درگیری رها کنند. مطمئن کردن کودک با دستی بر شانه او زدن و تظاهر به اینکه همه چیز خوب است، در حالیکه عملاً چنین نیست، پاسخ این والدین به نگرانی‌ها و ناراحتی فرزندشان است. والدینی که چنین نقشی را ایفا می‌کنند، بدون آنکه بدخواه کودک باشند، با بهترین نیت این شیوه برخورد نامطلوب را به کار می‌برند.

هشتم) شنونده‌ای مؤثر بودن: آن ارتباطی مثبت و مطلوب است که مبتنی بر احترام متقابل باشد. «احترام متقابل» یعنی، بیان صادقانه باورها و احساسات والدین و فرزندان در نزد یکدیگر بدون ترس از عدم پذیرش طرف مقابل.

ممکن است والدین با عقاید فرزندشان موافق نباشند، ولی با تن صدای خود و کلماتی که به کار می‌برند، می‌توانند نشان دهند که احساسات او را می‌پذیرند. برای شنونده خوب و مؤثر شدن باید تمرکز کرد و تماس‌های چشمی برقرار نمود و حالتی به خود گرفت که نشان دهد شنونده خوبی هستید. شنونده خوب گاه سکوت می‌کند و مدتی بعد پاسخ لازم را می‌دهد.

د) گوش کردن بازتابی؛ لازمه گوش کردن به فرزندان آن است که آنان بفهمند والدین احساساتشان را ورای آنچه می‌گویند و آنچه که نمی‌توانند بیان کنند، درک می‌کنند. گوش کردن بازتابی یعنی، درک آنچه که کودک احساس می‌کند و قصد بیان دارد و سپس بازگو کردن آن به شیوه‌ای که کودک در یابد، مقصود او را فهمیده و پذیرفته‌ایم. با گوش کردن بازتابی، والدین آینه‌ای می‌شوند برای آنکه کودک خودش را به وضوح در آن ببیند.

انجام این عمل، حساسیت به هر گونه احساس کودک را می‌طلبد و مستلزم توانایی اظهار این حساسیت‌ها به کودک است بدون آنکه قضاوتی در مورد آنها صورت گیرد. چنین رفتاری به کودک القاء می‌کند صحبت‌هایش شنونده دارد و او را به صحبت بیشتر تشویق می‌کند.

تصمیم ما مبتنی بر عدم توجه بیش از حد، عیب‌جویی یا دخالت کردن، به کودک نشان می‌دهد که او و احساساتش را پذیرفته‌ایم. وقتی با پذیرفتن احساسات و منظورهای فرزندان، به صورت کلامی یا غیر کلامی پاسخی فاقد قضاوت به او می‌دهیم، یکدلی و ارتباط خود را با او مستحکم می‌کنیم.^{۶۱}

والدینی که در نقش قاضی، همه چیزدان، مشاور و... ظاهر شوند، جایی برای ارتباط سالم و سازنده با کودک نخواهند داشت؛ زیرا ارتباطی مفید و کارآمد است که دوسویه و هماهنگ باشد به طوری که همه مخاطبین بتوانند نظرات خود را بیان کنند.

والدین باید در فرصت‌های مناسب با فرزندشان صحبت کنند و با او در فضایی محبت‌آمیز، محرمانه و صمیمانه ارتباط کلامی و عاطفی برقرار کنند. آنها باید از فرزندان بخواهند که رفتارهای روزانه خود را مورد ارزیابی قرار دهند؛ ابتدا رفتارهای مطلوب و درست، سپس رفتارهای نامطلوب و نادرست او را با هم بررسی کنند.^{۶۲} استفاده از زمان و زبان مناسب که بهترین آن زمان خواب است مورد توجه بیشتر روانشناسان تربیتی است.^{۶۳}



نتایج ارتباط درست و سازنده در رشد تربیت دینی

آماده‌سازی نوجوان برای زندگی در دنیای واقعی

از جمله هدف‌های تعلیم و تربیت خانواده باید آماده‌سازی فرد برای زندگی در دنیای واقعی باشد. بنابراین، باید کودکان و نوجوانان را با واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی آشنا کرد و «آموختن برای زیستن» باید هدف همه معلمان و مربیان باشد. نوجوان باید صبر، مقابله با ناملازمات و موانع زندگی را بشناسد و این امر تنها در پرتو ارتباط سالم والدین با فرزند میسر است.^{۶۴}

الگو پذیری و همانندسازی

بی‌شک الگوپذیری و همانندسازی، از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین روش‌های یادگیری و اجتماعی شدن کودک و نوجوان است. کودک و نوجوان نخست پدر و مادر را سرمشق و الگوی خود قرار می‌دهد؛ به طور کلی دختر با مادر، و پسر با پدر همانندسازی می‌کند. بنابراین، فقدان پدر و مادر تأثیرهای نامطلوبی بر شخصیت فرزندان دارد.

یکی از علل ناهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری، الگو برداری‌های نادرست است. بنابراین، والدین باید با رفتار و اعمال خود الگوهای شایسته‌ای برای فرزندان باشند و آنها را با الگوهای برتر پیشوایان دین، آشنا سازند.^{۶۵}

ایجاد امنیت روانی

خانواده مهم‌ترین کانون تامین‌کننده نیازهای جسمانی و روانی فرد است و تمام تلاش پدران و مادران مسئول و آگاه باید بر این اصل مبتنی باشد که فضای خانه و خانواده سرشار از امنیت، محبت و آرامش باشد. اعضای خانواده به ویژه فرزندان باید در خانه احساس امنیت روانی کنند و کانون خانواده را بهترین و امن‌ترین پناهگاه بدانند. بین والدین و فرزندان باید رابطه‌ای ایجاد شود که آنها بتوانند آزادانه احساسات، اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود را بدون احساس ترس یا طرد شدن با والدین در میان بگذارند.^{۶۶}

هویت‌بخشی به نوجوان

یکی از ویژگی‌های دوران نوجوانی و جوانی تلاش برای کسب هویت و شناخت هویت واقعی خود است. در این دوره نوجوان نیازمند تعلق به گروه و پذیرفته و تأیید شدن است. برخوردهای افراطی و تفریطی والدین و یا عدم برقراری رابطه درست با نوجوان، پیامدهای نامطلوبی به دنبال دارد. از این رو، پدر و مادر وظیفه دارند با شکیبایی و بردباری با نوجوانشان رابطه‌ای انسانی برقرار کنند تا وی به سلامت این دوره را پشت سر گذارد.^{۶۷}

توجه به رشد همه جانبه فرزندان

خانواده‌ای که به تأمین همه نیازهای اعضای خود می‌اندیشد، موجبات رشد همه جانبه آنان را فراهم می‌آورد. نوجوانان نیازشان را به طور مستقیم بیان نمی‌کنند، در این شرایط والدین وظیفه دارند که با دقت به حرف‌های آنها گوش دهند، با او ارتباط برقرار کنند و نیازهای آنان را برآورده نمایند.^{۶۸}

ثبات عاطفی والدین

هر چه روابط پدر و مادر با فرزندان ثبات و استحکام بیشتری داشته باشد، فرزندان احساس آرامش بیشتری می‌کنند و پدر و مادر را مطمئن‌ترین تکیه‌گاه خویش می‌دانند.^{۶۹} ثبات عاطفی والدین یکی از پیامدهای ارتباط درست است؛ زیرا در سایه ارتباط درست، والدین دست کم مجبورند این ثبات عاطفی را حفظ نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مجموعه مقالات همایش «زن مسلمان، خانواده کارآمد»

نتیجه گیری

ضرورت پرداختن به مسئله «تربیت دینی» ذهن را به سوی خانه، خانواده و نقش والدین رهنمون می‌سازد؛ زیرا خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه و نخستین آموزشگاه و پرورشگاه فرد است.

تحقیقات بیانگر آن است که خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که روابط اعضای آن مبتنی بر اصول و ضوابط صحیح ارتباطی باشد. توجه به سن مناسب برای تربیت دینی، زمان و مکان مناسب، نظارت و مراقبت، رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض، خودشناسی متربی، پالایش انگیزه‌های آموزشی و پرورشی، پیشتازی در تربیت جوانان، تقویت روح امید و مصونیت‌بخشی جوانان در برابر اندیشه‌های انحرافی از جمله این اصول است. همچنین، در صورت داشتن ارتباط درست و سازنده، جوان برای زندگی در دنیای واقعی آماده می‌شود و ضمن برخورداری از امنیت روانی و رشد همه جانبه، ثبات عاطفی می‌یابد.

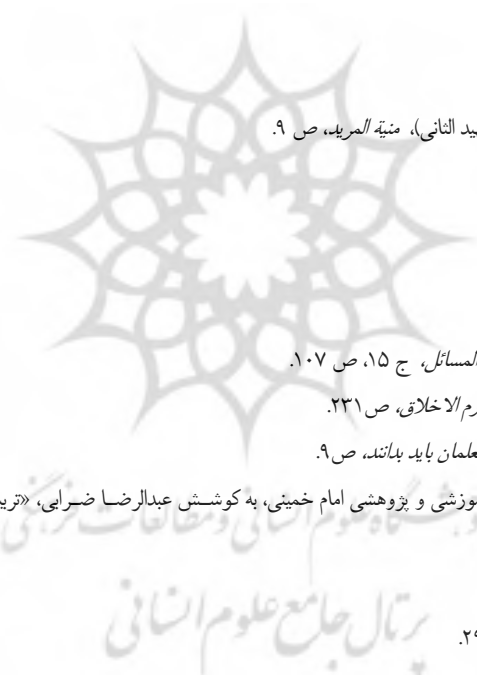
پی نوشت

۱. فهیمه جباری و ناصر حمیدی، ارتباط مؤثر، ارتباط موفق، ص ۶
۲. رضا فرهادیان، تربیت برتر، آنچه والدین و معلمان باید بدانند، ص ۱۰.
۳. رک: محمدین منظور، لسان العرب، ج ۱، صص ۱۲۶-۱۲۸.
۴. محمد قریب، تبیین لغات لتبیین الآیات یا فرهنگ لغت قرآن، ج ۱، ص ۴۵۳.
۵. عبدالعظیم کریمی، تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریبایی، ص ۴۹.
۶. «تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مجله آینده سازان، ۱۳۶۵/۷/۲۱، ص ۵۵.
۷. آل عمران: ۱۹
۸. حمد: ۴
۹. میزگرد «تعلیم و تربیت دینی»، معرفت، ش ۳۲، ص ۱۱.
۱۰. همان، صص ۹-۱۱.
۱۱. خسرو باقری، «تأملی بر تربیت دینی دختران»، صص ۸۳-۸۲.
۱۲. میرزا حسین النوری الطبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۸، باب ۹۹، ح ۱۷۶۳۹.
۱۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار الجامعه لعلوم الاطهار، ج ۱، ص ۲۲۳.
۱۴. رک: ابوالحسن علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمہ، ج ۲، ص ۱۴۸.
۱۵. رک: حسن بن علی بن الحسین ابن شعبه حرانی، تحف العقول من آل الرسول، ص ۱۴.
۱۶. محمدین حسن عاملی، تفصیل وسایل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، ج ۱۵، ص ۱۳۷.
۱۷. سیدعلی حسین زاده، تربیت فرزند، ج ۱، ص ۱۲۸.
۱۸. وسائل الشیعہ، ج ۱۵، ص ۱۹۵.
۱۹. تربیت برتر، ص ۶۱ [با اندکی تلخیص].
۲۰. سید علی حسین زاده، تربیت فرزند، ج ۱، صص ۱۳۰-۱۲۹.
۲۱. محمدین اسماعیل بخاری جعفری، الصحیح، ج ۱، ص ۲۱۵.
۲۲. تربیت فرزند، ج ۱، ص ۱۳۸.
۲۳. ابن ابی الدنیا، کتاب العیال، ج ۱، ص ۱۷۵.
۲۴. نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار، ص ۵۲۰، ح ۱۷۲۸.
۲۵. تربیت فرزند، ج ۱، صص ۱۴۲ و ۱۴۱.
۲۶. محمد بهشتی و علی تقی فقیهی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ص ۲۵۹.





۲۷. احمد نراقی، معراج السعادة، صص ۱۲۹-۱۲۴.
۲۸. رک: جامع السعادة، ص ۱۵.
۲۹. همان، ص ۱۰.
۳۰. آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ص ۵۷.
۳۱. همان، ص ۵۹.
۳۲. همان، ص ۶۱.
۳۳. اسراء: ۵۳.
۳۴. علاءالدین علی منقی و ابن حسام الدین هندی، کنز العمال فی السنن الاقوال والافعال، ح ۵۲۱۸.
۳۵. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۹.
۳۶. حجر: ۸۸.
۳۷. لقمان: ۱۸.
۳۸. آراء دانشمندان مسلمان تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲، صص ۶۵-۶۴ [با اندکی تغییر].
۳۹. انعام: ۵۴.
۴۰. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۴۰۹.
۴۱. همان، ج ۷۸، ص ۳۹.
۴۲. بقره: ۸۳.
۴۳. زین الدین احمد العالمی (الشهید الثاني)، منیة المرید، ص ۹.
۴۴. مزمل: ۱۰.
۴۵. ق: ۳۹.
۴۶. زمر: ۱۷ و ۱۸.
۴۷. تربیت فرزند، ج ۱، ص ۸۸.
۴۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۰۷.
۴۹. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۱.
۵۰. تربیت برتر: آنچه والدین و معلمان باید بدانند، ص ۹.
۵۱. گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، به کوشش عبدالرضا ضرابی، «تربیت دینی» مجموعه مقالات تربیتی، ص ۲۲۴.
۵۲. همان، ص ۲۳۴.
۵۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۲۹۵.
۵۴. «تربیت دینی» مجموعه مقالات تربیتی، ص ۲۲۹.



رتال جامع علوم انسانی

۵۵. همان، ص ۲۹۷.
۵۶. محمدین حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۱، ح ۳۰.
۵۷. «تربیت دینی»، مجموعه مقالات تربیتی، صص ۲۳۶-۲۳۷.
۵۸. همان، صص ۲۳۷-۲۳۸.
۵۹. رک: بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۷۱.
۶۰. رک: محمد حسین طباطبائی، سنن النبی ﷺ، ص ۴۲.
۶۱. دنیگ میر، دان و دکتر گاری. دی. مکی، والدین مسئول فرزندمسئول، ص ۷۴.
۶۲. حسن ملکی، خانواده و فرزندان در دوره دبیرستان، ص ۴۹.
۶۳. محمدرضا شرقی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، صص ۳۲ و ۳۳.
۶۴. حسن ملکی، خانواده و فرزندان در دوره دبیرستان، ص ۴۰.
۶۵. همان، صص ۴۲ و ۴۳.
۶۶. همان، ص ۴۴.
۶۷. همان، ص ۵۵.
۶۸. همان، ص ۵۷.
۶۹. همان، ص ۵۸.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.

۱. ابن ابی الدنيا، كتاب العیال، دمشق، دار ابن القيم، [بی تا].
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن الحسین، تحف العقول من آل الرسول ﷺ، قم، انتشارات اسلامیة، ۱۳۶۹.
۳. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، كشف الغمه فی معرفة آل ائمه، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۵ ق.
۵. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.
۶. بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل، الصحیح، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۷. بهشتی، محمد و علی تقی ققی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۸. جباری، فهیمه و ناصر حمیدی، ارتباط مؤثر، ارتباط موفق، قم، انتشارات سایه گستر، ۱۳۸۷.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۶۷.
۱۰. حسین زاده، سیدعلی، تربیت فرزندان، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۱۱. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۲. دنیگ میر، دان و گاری. دی. مکی، والدین مسئول فرزندان، ترجمه مجید رئیس دانا، قم رشد، ۱۳۷۳.
۱۳. العاملی، زین الدین [شهید ثانی]، منیه المرید، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹.
۱۴. شرقی، محمدرضا، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۱.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین، سنن النبی، انتشارات اسلامیة، ۱۳۷۵.
۱۶. طبرسی، رضی الدین ابی نصر الحسن بن فضل، مکارم الاخلاق، بیروت، دار الحورا، ۱۴۰۸.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. فرهادیان، رضا، تربیت برتر، آنچه والدین و معلمان باید بدانند، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۴.
۱۹. قریب، محمد، تبیین لغات لتبیین الآیات یا فرهنگ لغت قرآن، تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۶۶.
۲۰. کریمی، عبدالعظیم، تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریبای، تهران، انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸.
۲۱. منقی، علاء الدین علی و ابن حسام الدین هندی، کنز العمال فی السنن الاقوال والافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، [بی تا].
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لعلوم الائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲۳. ملکی، حسن، خانواده و فرزندان در دوره دبیرستان، تهران، آری، ۱۳۷۷.
۲۴. نراقی، احمد، معراج السعاده، تهران، رشیدی، ۱۳۶۲.
۲۵. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. پاینده، ابوالقاسم (پدیدآور)، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۷۷.

نشریات و مجموعه مقالات

۱. باقری، خسرو، «تأملی بر تربیت دینی دختران»، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۸، ۱۳۷۹.
۲. «تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام»، مجله آینده‌سازان، ۱۳۶۵/۷/۲۱.
۳. گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، به کوشش عبدالرضا ضرابی، «تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی»، مجموعه مقالات تربیتی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.
۴. میزگرد «تعلیم و تربیت دینی»، معرفت، ش ۳۲.



گورا

مجموعه مقالات همایش «زن مسلمان، خانواده کارآمد»